

## امامان شیعه (ع)

و

# نهضت عاشورا

سید محمد حامد

بعد از ارتحال پیامبر اکرم (ص)، امامان شیعه (ع) اساسی ترین وظیفه ای را که بر خود لازم می دیدند، احیای اسلام ناب محمدی (ص) بود. شیوه های گوناگون و متنوعی که در سیره امامان (ع) می بینیم، همگی در این راستا بوده است. گناه سکوت، گناه به دست گرفتن حکومت، زمان دیگر نرمنش قهرمانانه، در مرحله دیگر ساززه در پوشش دعا، و زمانی تشکیل حوزه علمی عظیم برای تبیین ابعاد مختلف مکتب و... روشهایی اند که امامان (ع) برای زنده داشتن مکتب پیامبر (ص) برگزیدند. از جمله روشهایی که بعد از شهادت سالار شهیدان، ابی عبدالله الحسین (ع)، امامان معصوم (ع) برگزیدند و سخت پایبند به آن بودند، احیای عاشورا و فرهنگ آن بود.

احیای یاد اسوه های مکتب، شیوه ای قرآنی است. قرآن کریم برای ماندگاری فرهنگ انبیا، از آنان و قصص آنها یاد بسیار کرده و از این راه، فرهنگ پیام آوران الهی را که فرهنگ توحید و نفی طواغیت است، فولقد به مثانی کل امه رسولاً ان اعدوا لله واجتنبوا الطاغوت، در دلها و جانهای شیفته حق، زنده مانده است.

شیوه های احیای عاشورا در سیره امامان

امامان شیعه (ع) برای احیای فرهنگ عاشورا از همین شیوه فرآینی بهره جستند. و با شیوه های مختلف یاد اسوه های عاشورا را گرامی داشتند. در این مقاله، برخی از عمده ترین این شیوه ها به بحث خواهد آمد. این شیوه ها عبارتند از:

۱. توحیه و ترفیبه به زیارت سالار شهیدان امام حسین (ع)
۲. ترفیبه و تشویق دوستانشان به سرودن شعر در مورد حادثه خونین عاشورا و تشویق شاعران متعهد
۳. توحیه به برپا کردن مجالس عزای امام حسین (ع)
۴. توحیه به گریستن، گریاندن و حسالت عزادار به خود گرفتن در عزای امام حسین (ع)
۵. توحیه به سجده بر تربت سالار شهیدان عشق

زیارت سیدالشهداء (ع)

از سفارتهای مؤکد امامان به دوستان خود، زیارت سالار شهیدان در فرصتهای گوناگون است. از بررسی روایاتی که در این زمینه رسیده است، درس میابیم که امامان اصرار داشتند در هر مقطعی که از جهت زمانی فدری دارد و شیعه برای آن ارزش ویژه فائل است، زیارت سیدالشهداء (ع) را مطرح کنند تا همه فداستها به قیام خونین سالار شهیدان پیوسته شود، و شیعه بفاند اگر نامی از مکتب اهل بیت (ع) باقی مانده، در سایه فداکاریهای حسین عزیز (ع) و یاران وفادار او است.

تفشی زیارت

۱. زیارت، تجلیل ارزشهای الهی

زیارت ترمیت پاک اولیای خدا، تجلیل از ارزشهای والای الهی است. کسی که به زیارت ترمیت پاک و مطهر نیی اکرم (ص) می رود، این پیام را با خود دارد که من به صاحب این قبر عشق می ورزم، زیرا او با تمام توان ایشارگری کرد، این پیام، تکریم ارزشهای خدایی است. براین اساس، زیارت قبور اولیا از صدر اسلام پیوسته به عنوان یک سنت حسنه مورد قبول همگان بود، و خود پیامبر گرامی اسلام (ص) عامل به این سنت و توحیه کننده به آن بودند.

پیامبر (ص) هر سال به زیارت شهدای احد می رفتند، با خدای بلند زیارتنامه می خواندند و می فرمودند: «السلام علیکم یعا صبرتم فقم عینی المار»<sup>۱</sup>

در روایات فراوانی آمده است که حضرت توحیه و تاکید بر زیارت غیر خود بعد از درگذشتنشان می کردند. به عنوان نمونه، آمده است: «من حج فزار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی»<sup>۲</sup> (هرکس پس از زیارت خسانه خدا قبر مرا زیارت کند، مثل این است که مرا در حال حیات زیارت کرده است). این حدیث را ۲۵ تن از مشاهیر محدثان و حفاظ در کتابهای خود ضبط کرده اند، و تقریباً همین سبکی در کتاب شفاء السقام، دربارهٔ سنت حدیث به طور گسترده سخن گفته است.<sup>۳</sup>

۲. زیارت، اعلام وفاداری

زیارت، اعلام وفاداری و بیعت مجدد زائر با آرمان الهی مردان خداست. در بسیاری از زیارتها، بصراحت این اعلان وفاداری آمده است: «ای سلم لمن سالمتکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والکم و عدو لمن عاداکم»

زمان حال و قال زائر سالار شهیدان: «از راه دور و نزدیک - این است که: هر چند من سموات جفتور در کثرت را در کمرهای خونین عشق به خدا نداشتیم، لیک با زیارتن اعلام می دارم که تا زنده ام در مسیر آرمان بلندت در حرکت و تلاش، و در همان صراط مستقیم راه می یومم - و همین اعلام وفاداری نهفته در زیارت الهی (ج) بویژه سالار شهیدان (ع) بوده که پیوسته خواب راحت را از چشم دشمنان می ربود»

گفتنی است محتوای نیمی از زیارتها بویژه زیارتهای سیدالشهدا تولی (اعلام دوستی با اولیای خدا)، و نیسی دیگر تبری (دشمنی با دشمنان خدا) است. این محتوا، خود تأکیدی است بر این نقش زیارت.

۳. زیارت، زمینه ساز پاک

زیارت زمینه ساز پاک دل و جان از آلودگیها و

ناخالصیهاست. زائر ترمیت پاک امامان به هنگامی که به زیارت آنان مشرف می شود، این پیش را دارد که امامان نظاره گر حال و رفتار اویند، وی را می بینند و گفتارش را می شنوند. یرواح است این پیش، خود عامل بازدارنده از بسیاری از گناهان است. در تفری که به عنوان اذن دخول مشاهده مشرفه آمده (ع) رسیده است، می خوانیم: «اللهم انی اعتقد حرمة صاحب هذا المعهد الشریف فی غیبتة کما اعتقدنا فی حضرته و اعلم ان رسولک و خلفاک - علیهم السلام - احیاء عندک یرزقون یرون مقامی و یسمون کلامی و اتک حجت عن سماعی کلامهم...»<sup>۴</sup>

زائری که با این پیش به زیارت امامش می شتابد، مراقب اعضای عرویش است تا مبادا در محضر آن امام تخطی از او سرزند.

روایات و زیارت سیدالشهدا (ع)

در بین زیارتها، زیارتهای سالار شهیدان که به مناسبتهای مختلف از امامان (ع) رسیده است، حال و هوای دیگری دارد. در زیارتهای آن حضرت، ایمان، عشق، وفاداری و... سرچ می زند، و زائر را بر اختیار به سوی آرمانهای بلند الهی سوق می دهد. بر این اساس، روایات فراوانی در تریب به زیارت آن امام شهید رسیده است. این روایات را می توان به چند گروه تقسیم کرد:

گروه اول، روایاتی که زیارت را یک فریضه حتمی شیعیه معرفی می کند، به عنوان نمونه: «من ای عبدالله (ع) ان احدکم حج دهره و لم یزر الحسین بن علی (ع) کان تارکاً حقاً من حقوق الله و حقوق رسول الله و ان حق الحسین فریضه من الله و اجبة علی کل مسلم»<sup>۵</sup>

گروه دوم، روایاتی است که زیارت سالار شهیدان (ع) را برابر با تمامی ارزشهای مقدس دین می داند ارزشهای همچون حج و عمره، خانه خدا، آزاد کردن بردگان و... و در برخی روایات زیارت حضرت به عنوان: «انقل الاعمال» معرفی شده است.<sup>۶</sup>

گروه سوم، روایاتی است که تشویق به زیارت سالار شهیدان در مناسبتهای مختلف می نماید مانند روز عرفه<sup>۷</sup>، روز عاشورا<sup>۸</sup>، ماه شعبان<sup>۹</sup>، ماه رجب<sup>۱۰</sup> و نیز در تمامی روزها<sup>۱۱</sup>.

گروه چهارم، روایاتی است که به شیعیان توحیه می کند برای گرفتن حاجات و رفع گرفتاریها، به زیارت حضرت پیشنهاد می کند.<sup>۱۲</sup>

گروه پنجم، روایاتی است که ثواب و اجر فراوان زیارت سالار شهیدان را متذکر می گردد.<sup>۱۳</sup>

گروه ششم، روایاتی است که آداب زائر ای عبدالله الحسین (ع) را متذکر می شوند.<sup>۱۴</sup>

گروه هفتم، روایاتی است که عقوبت تارکان زیارت امام حسین (ع) را ذکر می کند، آنان که می توانند به زیارت حضرت بروند و کوتاهی می کنند.<sup>۱۵</sup>



تأسیسات حوالی آن را تا حدود ۲۰۰ جریب منهدم کرد. ابتدا، وی مأموران مسلمان را برای این کار گمارد، آنان وقتی به نزدیک تربت مطهر رسیدند دست از کار کشیدند و جرئت خرابی مزار حضرت را نداشتند. او تعدادی یهودی را برای این کار استخدام کرد و آنان با کمال شقاوت به نابودی تربت شریف حضرت پرداختند، و آن را به آب بستند. آنگاه متوکل نگهبانان فراوانی را در مسیر بارگاه حضرت گمارد تا مردم را از زیارت آن حضرت بازدارند. این نگهبانان سنگدل زائران حضرت را دستگیر، شکنجه و اعدام می کردند.

از جمله زمینه های شدت عمل متوکل در این مورد، آن بود که مطلع شد یکی از افراد مخصوص حرمسرایش، به زیارت سالار شهیدان رفته است. <sup>۱۶</sup> طبری در تاریخ خود در حوادث سال ۲۳۶ هـ. ق گوید: متوکل دستور داد تا قبر حسین بن علی (ع) و منازل اطراف آن را ویران کنند، آنجا را شخم زند و بذر بپاشند، و مؤکداً فرمان صادر کرد که کسی حق زیارت آن حضرت را ندارد. رئیس شهرهای متوکل اعلان کرد که زائران حضرت تا ۳ روز دیگر مهلت دارند که حرم را ترک کنند، وگرنه آنان را در زندان انفرادی محبوس خواهیم ساخت. به دنبال این اطلاعیه، مردم از بارگاه حضرت فرار کردند و از زیارت حضرت بیم داشتند. <sup>۱۷</sup>

بر این اساس، در روایات اهل بیت (ع) اجسر فراوانی برای زائرانی که با وحشت و خوف به زیارت حضرت بشتابند، ذکر شده است. گاه فشار دشمن در این زمینه به حدی می شد که از ناحیه مقدس امام زمان (عج) دستور صادر می شد که موقتاً زیارت را ترک کنند تا دشمنان نتوانند بکلی نیروهای شیعه را مستهلک سازند. <sup>۱۸</sup>

محتوای زیارت امام حسین (ع)

متون زیارتی امامان معصوم (ع) که با سند معتبر از آن ثواب مقدسه در دسترس می باشد، از غنی ترین استاد شناخت اهل بیت (ع) است. در این راستا، زیارت های سالار شهیدان (ع) از جایگاه ویژه ای برخوردار است. به خاطر اهمیتی که امامان شیعه (ع) برای این قیام الهی قائل بودند، می کوشیدند تا در ضمن این زیارتها ابیاد مختلف آن را تبیین نمایند و تصویری روشن از نهضت آن حضرت برای تشنگان حقیقت عرضه کنند. در یک نگاه، می توان محتوای زیارت های سیدالشهدا (ع) را در چند عنوان خلاصه کرد:

- الف: معرفی امام حسین (ع) و جایگاه ویژه او در پیشگاه حضرت حق  
 ب: نقش نهضت سالار شهیدان (ع) در احیای مکتب  
 ج: ماهیت نهضت ابی عبدالله (ع)  
 د: معرفی سیمای ظلمت بار دشمنان حضرت (ع)  
 هـ: ابراز تضرع از دشمنان  
 و: تجلیل و تکریم پاران وفادار حضرت (ع)

گروه هشتم، روایاتی است که این همه اجبر و ثواب را برای کسانی می داند، که عارف به حق آن حضرت باشند. <sup>۱۵</sup> این بخش را می توان مهم ترین گروه از روایات زیارت سیدالشهدا معرفی کرد، زیرا تنها در صورت شناخت حق، مکتب و راه حضرت است که زیارت معنا پیدا می کند.

برخورد دشمنان اهل بیت (ع) با زیارت امام حسین (ع)

از آنجا که زیارت سالار شهیدان فریاد رسای کفرستیزی در طول قرون و اعصار است، پیوسته ستمگران از آن در هراس بودند و می کوشیدند با تمامی توان، این «مصباح هدایت» را خاموش سازند؛ لاجناب از آنکه: «والله قسم نوره ولو کسره المشرکون».

چراغی را که ایزد بر فروزد

هر آن کسی یف کند ویش بسوزد

آنان می دیدند عشق سالار شهیدان چنان در دل و جان انسانها جا گرفته، که حتی حرمسرایشان را هم درنوردیده است. تاریخ می گوید: از جمله کسانی که برخورد بسیار خشن با تربت و بارگاه سالار شهیدان کرده، متوکل عباسی است. این دژخیم جبار، یهودی نازه مسلمان شده ای به نام «هیزج» را مأمور انهدام تربت حضرت ساخت. او نیز تربت و بارگاه حضرت و

۱. معرفی امام حسین (ع)

پیشوای شایسته این قیام الهی، چهره‌ای است که آینه تمام‌نمای خاتم النبیا (ص) است. او، حسین (ع) است. احسبني که پیامبر (ص) او را از خود و خود را از او می‌داند. «حسین منی و انا من حسین». آنچه پیش از همه به این قیام الهی قداست بخشیده، وجود چنین رهبری برای آن است. از جمله تمایزی که برای معرفی حضرت در زیارت‌های سرسویه آمده است، تعبیر «نور» است: «الشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة...»<sup>۱۹</sup> و: «الشهد انک نور الله الذی لم یدفغ ولا یذفغ و انک وجهه الله الذی لم یهکک ولا یهکک ابداً»<sup>۲۰</sup>.

با توجه به اینکه نور، لطیف‌ترین موجود جهان ماده است و سرعت سیر آن بالاترین سرعتها و برکات و آثار آن در جهان ماده بیش از هر چیز دیگر است، و از آنجا که سرچشمه همه مواهب و برکات مادی نور است، روشن می‌شود که واژه نور در مورد حضرت، چقدر گویا و پر معناست. در قرآن کریم بر ذات باری تعالی واژه «نور» اطلاق شده است: «الله نور السموات والارض»<sup>۲۱</sup> «خداوند نور آسمانها و زمین است». نیز، قرآن تشبیه به نور شده است: «فقالین آمنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل مع اولئک هم المفلحون»<sup>۲۲</sup>.

آنانی که ایمان به پیامبر آوردند، او را گرامی داشتند، یاری کردند و از نوری که بر او نازل شده است پیروی کردند. آنها رستگارند.

آری، او به حق «نور» است؛ آنچنانکه ایمان و توحید نور است، و آنچنانکه قرآن و مکتب نورند، زیرا حسین با مکتب گره خورده و مکتب و اسرار او است.

۲. نقش نهضت ابي عبدالله (ع)

درباره نقش قیام سالار شهیدان (ع) تاکنون کتابها نوشته، و سخنان فراوانی گفته شده است. در این زمینه نیز زیارت‌نامه کلام را زیارت‌نامه‌ها دارند. در بسیاری از زیارت‌نامه‌های حضرت می‌خوانیم: «الشهد انک قد اقمت العسوة و ایتت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر...» مضمون این کلام این است که نماز و اسرار حسین (ع) است، زیرا او نماز را برپا ساخت. اگر قیام خونینش نبود، امروز نامی از نماز مطرح نبود.

اگر قیام او نبود، مردم به وظایف مالی دینی خود واقف نمی‌شدند. او بود که با قیامش دین را مطرح کرد تا مردم با ابعاد و زوایای مختلف دین آشنایی پیدا کنند. اگر قیام او نبود، ۲ واجب بزرگ الهی: «امر به معروف و نهی از منکر»<sup>۲۳</sup> برای همیشه فراموش می‌شد. او با قیام خویش این ۲ قریفه بزرگ را

احیا کرد، و به تمام شیفتگان مکتب آموخت که باید غیرت دینی داشت و تا آخرین نفر و آخرین نفس مدافع می‌چون و پیرای حریم دین بود.

در زیارت‌نامه دیگری از حضرت (ع) می‌خوانیم: «الشهد انک قد بلغت و نصحت و وقیت و اوقیت و جاهدت فی سبیل الله...»<sup>۲۴</sup> در این متن، این نقشها برای حضرت بیان شده است: الف: رساندن پیام اسلام ناب محمدی (ص) به قرون و اعصار: امام (ع) با حماسه خونین عاشورا، پرچم زمین مانده اسلام را برافراشت. و بحق، که امام (ع) از مسافرتی حقیقی: «الذین یبلغون رسالات الله»<sup>۲۵</sup> شد.



ب: نصیح و خیر خواهی برای امت اسلام: امام (ع) با کمال دلسوزی، راه نجات و سعادت را به امتهما نشان داد و به آنان آموخت که قانون سعادتشان کتاب خداست، و حاکم بحق آنانند که فدای مکتب باشند. او نصیح را در بالاترین مراتب انجام داد، و خون پاک خویش و بارانش را نثار کرد تا نسل نشئه اسلام، اسلام را بیابد و با عمل به آن سعادتند شود.

ج: وفاداری به ایمان: امام (ع) با قیام خونینش، شیوه وفاداری به مکتب را آموخت. او با ایشار خون خود، به فرزندان و بارانش آموخت که پندرش مکتب یک تمهید است، و باید تا پای جان به آن وفادار ماند: «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیہ...»<sup>۲۶</sup> او، هم خود وفاداری کرد و هم شیوه وفاداری را آموخت.

د: جهاد در راه خدا: او در راه خدا جهاد بی‌امان خود را

## ۲. معرفی سیمای ظلمت بار دشمنان حضرت(ع)

بخشی از محتوای زیارت‌های سالار شهیدان، ترسیم سیمای دشمنان نهفت حضرت(ع) است. دشمنان این نهفت الهی، همسانانی بودند که در برابر اتیسیای بزرگ ایستادند، مثلاً، مشرفان، عالمان دین فروش و در یک کلمه دنیاپرستان.

در زیارت اربعین سالار شهیدان می‌خوانیم: «وقد نواز علیه من غرته الدنيا و باع حظه بالارذل الادنی و شری آخرته بالثمن الاوکس و تغرطس و تردی فی هوا».

در این سخن، «دنیاپرستی» مهمترین ویژگی دشمنان حضرت معرفی شده است.

واقعیات تاریخی نیز اثبات کننده این حقایق است. در حالی که پاران سیدالشهدا برای لقای دوست از هم پیشی می‌گرفتند و سراسر جانشان را عشق به حضرت حق پر کرده بود، در اردوگاه دشمنان حضرت صحبت معامله و بده - بستان بود؛ کشتن سیدالشهدا(ع) در برابر ملک ری.

در حالی که عزیزان خدا دو خون غلیظه و در جوار ملکوت حق آرمیده بودند، در اردوگاه دشمن نزاع سر این بود که جایزه از آن کیست؟ آیا برای کسی است که عزیزان خدا را بر زمین افکند؟ یا از آن فردی است که سر از نشان جدا ساخت؟

## ۵. ابراز نفرت از دشمنان حضرت(ع)

دیگر بخش محتوای زیارت‌های سالار شهیدان، ابراز تنفر از دشمنان حضرت(ع) است. این ابراز تنفر دو فرهنگ قرآن و روایات، مصداق تبری است. بی‌تردید مصداق بارز دشمنان خدا، آنان بودند که در سنجش با فرزند رسول خدا(ص) برآمدند.

و جسا یگانه تبری قبیل از تولى است، زیرا ابشدا نغی است: لا اله و بعد اثبات: الا الله.

تولی تنها توحید نیست، بلکه تبری توأم با تولی است که توحید است. و زائر سالار شهیدان در زیارت، این را می‌آموزد که اگر بخواهند حسینی زندگی کنند، باید از تبری شروع کنند، با دشمنان او در هر زمان بجنگند، و آنگاه ابراز محبت کنند، که با این ۲ بال است که می‌شوند پرواز کنند و در جوار سالار شهیدان سرفراز گردند.

اینکه در بسیاری از زیارت‌های حضرت، لمن و نفرین بر تمامی دشمنانش می‌بینیم، برای این است که مسخرترین جلوه بی‌زاری از دشمنان او، لمن است. در زیارت اربعین می‌خوانیم: «... قلن الله من شکک و لمن الله من ظلمک و لمن الله امنه سمعت بقلک فرحیت به...».

در این ابراز تنفر و امتثال آن که در زیارت‌ها فراوان است، تنها ابراز تنفر از قاتلان و ظالمان نشده است، بلکه تنفری گسترده به گسترده‌گی کل تاریخ از تمامی آنان که همدل و همراه قاتلان و ظالمان به حضرتند، شده است.

آغاز کرد، تا به تمامی جهادگران راه حق و مجاهدان فی سبیل الله بیاموزد: «فانی لاری الموت الا السعاده و لا الحیاه مع الظالمین الا برما».

در معبد عشق جان فدا باید کرد

یعنی به حسین اقتدا باید کرد

بی سر به لقای یار رفتن

دینی است که این گونه ادا باید کرد

در زیارت اربعین در مورد نقش قیام الهی سالار شهیدان می‌خوانیم: «و ینزل مهجته نیک لیستقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة». قیام سالار شهیدان انسانها را از «جهالت» به در آورد. جهالت در فرهنگ قرآن و معصومان الزاماً به معنای نادانی نیست، بل جهالت به معنای کاری است که بر اساس خرد و عقل نباشد که البته یکی از مصداق کارهای این چنینی، نادانی است.

تن دادن به زندگی اسارت بار دوزیر چکمه ستمگران، از مصداق بارز جهالت است. امام(ع) خون خویش را ایثار کرد تا مردم از گرداب ذلت رهایی یابند. دل بستن به دنیا و فریفته شدن به مظاهر آن، از نمونه‌های روشن ضلالت و گمراهی است. او خود و پاران را فدا کرد تا مردم از این گمراهی به فرآیند، و دل به مشرف و محبوب واقعی حضرت حق بتلند.

## ۳. ماهیت نهفت ای عبدالله(ع)

بخشی از محتوای زیارت‌های سالار شهیدان را، بیان ماهیت این نهفت الهی تشکیل می‌دهد.

در بسیاری از زیارت‌های حضرت(ع) و نیز زیارت‌های دیگر ائمه(ع)، زیارت با سلام و درود بر انبیا بزرگ الهی: آدم، نوح، موسی، عیسی(ع) و پیامبر بزرگ اسلام(ص) شروع می‌شود، بریزه در زیارت و اوارت، حضرت(ع) به عنوان و اوارت انبیا خوانده شده است: «السلام علیک یا و اوارت آدم صفوة الله، السلام علیک یا و اوارت نوح نبی الله، السلام علیک یا و اوارت ابراهیم خلیل الله، السلام علیک یا و اوارت موسی کلیم الله، السلام علیک یا و اوارت عیسی روح الله، السلام علیک یا و اوارت محمد حبیب الله».

این گونه زیارت‌ها، بیان کننده ماهیت حقیقی نهفت ای عبدالله(ع) است. این زیارت‌ها می‌آموزد که برای دوست دیدن این نهفت، باید از نهفت انبیا شروع کرد و نهفت سالار شهیدان را در امتداد این سلسله مقدس دید.

این تحلیل افشاگر، بطلان تحلیلهایی است که می‌خواهند این قیام را یک قیام مادی قلمداد کنند و با تحلیل مارکسیستی از آن، روح قیام را بی‌خاصیت سازند و به تعبیر شهید مطهری، «روضة مارکسیستی» برای امام حسین(ع) بخوانند. ۲۳

۴. ابراز محبت به یاران حضرت(ع)

بخش دیگر محتوای زیارت‌های سالار شهیدان، ابراز آرامت به یاران باوفای حضرت(ع) است. بی تردید، پارسی که امام حسین(ع) داشت، پارسی نمونه و ممتاز بودند و این شایستگی را داشتند که امام معصوم(ع) از آنان زیارتین تجلیها را به عمل آورد. همچنان که کلام پیامبر(ص) بر اساس واقعات است: «انه لقلول فصل و ما هو بالهزل»، کلام دیگر معصومان(ع) نیز همین ویژگی را دارد. امام حسین(ع) شب عاشورا خطاب به یارانش فرمودند: «اما بعد، فانی لاعلم اصحابی اوفی ولا تخیراً من

وقش این تجلیل والای سیدالشهدا(ع) را در کنار گله‌ها، نفرینها و درد دل‌های مولا علی(ع) و امام حسن(ع) از یارانشان می‌گذاریم، جایگاه والای یاران حضرت پیشتر آشکار می‌شود. امام علی(ع) مگر بسیاری از موارد در نهج البلاغه، از برخی یارانش فوق‌العاده می‌نالند و می‌گویند: ای کاش شما را ندیده بودم و نمی‌شناختم<sup>۲۵</sup> کما خون به دل من کسیدید، اما انبیا، الرجال و لا رجال»<sup>۲۶</sup>.

در روزی از زیارت‌های سالار شهیدان، به دنبال عرض ادب به ساحات مقدس حضرت(ع) و ابراز تنفر از دشمنان، سلام و درود بر یاران باوفایش آمده است. به عنوان نمونه در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الأرواح التي حلت بفنائک علیک منی سلام الله ابدأ ما بنیت و بقی اللیل و النهار و لا یجعله الله آخر المسد منی لزیارتکم السلام علی الحسین و علی بنی الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین».

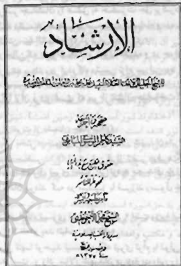
از جمله نکاتی که در مورد یاران امام(ع) در زیارت‌ها می‌بینیم، این است که از یاران حضرت(ع) به عنوان انصار خدا، رسول اکرم(ص)، علی(ع)، فاطمه(س) و امام حسین(ع) یاد شده است: «السلام علیکم یا انصار الله، السلام علیکم یا انصار رسول الله، السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین، السلام علیکم یا انصار فاطمة الزهراء، السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی، السلام علیکم یا انصار ابی عبدالله». این تمایز علاوه بر آنکه گویای مقام شامخ یاران حضرت(ع) است، نشان‌دهنده ماعت نهفت حسینی نیز می‌باشد، که این نهفت همان نهفت رسول الله(ص) است و یاران این، یاران آن، که: «السلام محمدی الحدوث و حسینی البقاء».

### شعر معهد و نهفت عاشورا

از شیوه‌هایی که امامان شیعه برای جاودانگی نهفت خونین سالار شهیدان به کار گرفتند، تشویق و ترغیب شاعران معهد به سرودن شعر دربارهٔ یاران امام حسین(ع) و مرثیه سرایی در عزای سالار شهیدان(ع) است.

شعر از جلوه‌های بارز و لطیف روح انسانی است، که نقش مهمی در ابلاغ پیام دارد. شعر از قدیمترین آفریده‌های روح بشری است؛ نه تنها برای بیان، بلکه القای احساس و درد و نفسی، انسان روزی که غسوات سخن را به رسالت بفرستد، شعر را اختراع کرد. در حقیقت شعر را برای آن گفت تا خود در سخن خود پنهان گردد و به همه جا برود. شعر را برای آن گفت تا احساس، فکر و اندیشهٔ خویش را منتقل کند، نه آنکه دربارهٔ آنها چیزی بگوید. و چنانکه گفته‌اند، شعر پنهانترین رابطه را با ضمیر انسانی دارد.<sup>۲۷</sup>

به خاطر نقش ویژه‌ای که شعر در گسترش پیام دارد، امامان شیعه از آنجا که می‌خواستند پیام انقلاب عاشورا

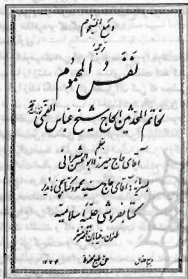


اصحابی و لاهل بیت ابر و لا اوصل من اهل بیته...<sup>۲۸</sup> (من) یارانی باوفاتر از یاران خود سراغ ندارم... و اهل بیته را بهتر و حق شناستر و برتر از اهل بیت خود نمی‌شناسم...). و همان شب یاران حضرت(ع) با اعلان وفاداری مسجد به امام، جلوه‌ای دیگر از کلمات خود را به اثبات رساندند.

شاهان من او به عرش رسانتم سریر فضل  
مملوک این جنابم و محتاج این دردم  
گر برکت دل از تو ویردم از تو مهر  
این مهر بر که افکتم آن دل کجا برم  
نام زکارخانهٔ عشاق محو باد  
گر جز محبت تو بود شغل دیگرم

خواندم، حضرت گریستند، و صدای گریه زنان پشت پرده را شنیدم.

وقتی از خواندن فارغ شدم، حضرت فرمودند: هر کس درباره حسین(ع) شعری بسراید و بگوید: ۱۰ نفر را بگریاند، خداوند برای همگی آنان بهشت را می نویسد. هر کس درباره حسین(ع) شعری بسراید و بگوید ۵ نفر را بگریاند، خداوند برای همگی آنان بهشت را می نویسد. کسی درباره حسین(ع) شعری بسراید و یک نفر را بگریاند، خداوند برای هر دوی آنان بهشت را مقوم فرماید. و کسی که به یاد حسین(ع) قطره اشکی - هر چند به اندازه بال مگس - بریزد، نوابش با خدا خواهد بود و خداوند برای او کسرت از



بهشت راضی نخواهد شد.

براین اساس، تاکنون شاعران متعددی شیعه، هزاران شعر ارزشمند به زبانهای گوناگون سروده اند. و همین اشعار بوده که پیوسته نهفت حسینی را در دلها زنده و شاداب نگاه داشته است.

مجالس عزای حسینی

از شیوه هایی که امامان شیعه برای احیای مکتب عاشورا برگزیدند، نشوین و توغیب به پربای مجلس سوگواری برای سالار شهیدان، امام حسین(ع)، است.

از آنجا که مکتب عاشورا علم بزرگ مکتب و از اعظم

تا ابدیت امتداد باید، تأکید ویژه ای بر سرودن شعر و مرثیه سرایی در عزای سالار شهیدان داشتند. در این باره روایات بسیار است که ما به ذکر ۲ روایت بسنده می کنیم.

۱. عن زید الشحام فی حدیث ان ابی عبدالله(ع) قال لجعفر بن عصفان الطائی: بلغنی انک تقول الشعر فی الحسین - علیه السلام - و تجید، قال: نعم. فانشده فبکی و من حوله حتی سالت الدموع علی وجهه و لحيته ثم قال: یا جعفر! والله لقد شهدت ملائكة الله المفریون ههنا یسمعون قولک فی الحسین - علیه السلام - و لقد بکوا کما بکینا و اکثر و لقد اوجب الله لک یا جعفر فی ساعتک الجنة باسرها و غفر لک. فقال: الا ازیفک؟ قال: نعم یا سیدی اقال ما من احد قال فی الحسین شعراً فبکی و ابکی به الا اوجب الله له الجنة و غفر له<sup>۱۴</sup> (زید شحام روایت می کند که امام صادق(ع) به جعفر بن عصفان طائی فرمودند: شنیده ام درباره امام حسین(ع) شعر خوبی سروده ای؟ او گفت: بلیه، و شعرش را خواند.

امام و اطرافیانش گریستند. امام به حدی گریست که اشکها بر گونه و محاسن مبارکش جاری شد. سپس فرمودند: ای جعفر به خدا فرشتگان خدا شاهد تو بودند و گفتار تو درباره امام حسین(ع) شنیدند. آنها نیز همانند ما گریستند. سپس، امام فرمودند: من خواهی بیش از این بگویم.

او گفت: بلیه، آقای من!

حضرت فرمودند: هیچ کس نیست که درباره امام حسین(ع) شعری بگوید، بگرید و بگریاند، مگر آنکه خداوند بهشت را بر او واجب می کند و گناهش را می آمرزد.

۲. عن ابن هرون المکوف قال: قال لی ابی عبدالله(ع): یا ابا هرون! انشدنی فی الحسین(ع) لمانشدته. فقال: انشدنی کما تمشدون (یعنی بالرقة). قال: فمانشدته: امرر علی... قال: فبکی. ثم قال: زدنی فانشدته القصیدة الاخری. قال: فبکی فسمعت بکاء من خلف السور. فلما فرغت قال: یا ابا هرون من انشد فی الحسین شعراً، فبکی و ابکی عشرة کتبت لهم الجنة و من انشد فی الحسین شعراً فبکی او ابکی عشرة کتبت لهم الجنة و من انشد فی الحسین شعراً فبکی و ابکی واحداً کتبت لهما الجنة و من ذکر الحسین عنده فخرج من عین من الدمع مقدار جناح ذباب کان ثوابه علی الله و لم یرض له دون الجنة<sup>۱۵</sup> (ابن هارون مکوفی گوید: امام صادق(ع) به من فرمودند: ای ابا هرون! برایم شعری درباره امام حسین(ع) بخوان.

من خواندم، ولی امام دید به سبک سستی و با حزن نخواندم. امام فرمودند: همان گونه که در جمیع خود می خوانی، بخوان. من قصیده ای را خواندم. حضرت گریستند و سپس فرمودند: بیشتر بخوان. من قصیده دیگری را

شعائر اسلام ناب است، برپایی مجالس حسینی مصداق بارز تعظیم شعائر می باشد، که در قرآن نشانه تقوای دل معرفی شده است: «و من يعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب» (وهرکس شعائر الهی را بزرگ بدارد، این نشانه تقوای دلهاست).

درست است سیاق این آیات در مورد حج است، لیکن آنچه در آیه آمده به عنوان یک قانون کلی است. شعائر جمع شیره به معنای علامات و نشانه، و شعائر به معنای نشانه های پروردگار است. بر این اساس، تمام برنامه هایی که احیای مکتب را در پی داشته باشد، شعائر الهی است و تعظیم آن نشانه تقوای دل است؛ و مجالس حسینی از آن جمله است.

فضیل بن یسار گوید: امام صادق (ع) فرمودند: آیا مجلس گرفته اید و مذاکره و گفتگو می کنید؟ گفتند: آری.

امام (ع) فرمودند: من این گونه مجالس را دوست دارم. راه و مکتب ما را زنده نگه دارید. خدای رحمت کند کسی را که مکتب ما را زنده نگه دارد. ای فضیل آن کس که مجلسی را به پا کند و در آن راه و مکتب ما را احیا کند، آن روزی که دلها می میرند، قلب و دل او زنده خواهد بود و نخواهد مرد.<sup>۳۰</sup>

براین اساس، شخص پیامبر اکرم (ص)، بنیانگذار مجالس عزاداری برای سید مظلومان عالم است. پیامبر بزرگوار اسلام در روز ولادت امام حسین (ع)، در دورهٔ وضاع و شیرخواری حضرت (ع)، در اولین و دومین سالگرد ولادت حضرت و نیز به مناسبتهای مختلف، در مجالس از مصایب آینده سالار شهیدان امام حسین (ع) می گفت<sup>۳۱</sup>، و امامان بزرگ شیعه (ع) نیز بر این امر مداومت داشتند و گاه خود از مصایب جدشان یاد می کردند و به شدت می گریستند و می گریانفتند.

این شیبب گوید: روز اول محرم، محضر امام هتم (ع) شرفیاب شد.

حضرت فرمودند: «... باین شیبب! ان المحرم هو الشهر الذی کان اهل الجاهلیة فیما مضی یحرمون فیہ الظلم و القتل لحرمة نعل عرفت هذه الامة حرمة شهرها و لاحرمة نبیها (ص) لقد قتلوا فی هذا الشهر فویته و سبوا نساءه و انتهبوا نخله فلا غفر الله لهم ذلک ابداً. باین شیبب! ان كنت باکیا لشیء فابک للحمین بن علی بن ابی طالب (ع) ...»<sup>۳۲</sup> (ای فرزندی شیبب! محرم ماهی بود که حتی در جاهلیت حریم آن نگاه داشتند. اما این امت، حرمت ماه حرام را و حرمت پیامبر را نگاه نداشتند؛ در این ماه نوادگان او را کشتند، زنان را به اسارت گرفتند، و زندگی شان را به غارت بردند. خدای پیامبرزدشان. ای شیبب! اگر می خواهی برکسی بگریی، پس برای حسین بن علی بن ابی طالب (ع) گریه کن...)

در این زمینه، روایات فراوانی داریم که امامان ما در ماه

محرم محزون بودند، و خود مجلس عزای برپا می کردند و بر سید مظلومان می گریستند. مجالس حسینی نقش مهمی، در احیای نهفت عاشورا داشته اند. در سایه این مجالس بود که بازماندگان شهیدان درس صلابت، استواری و استقامت در راه هدف را از بازماندگان سید شهیدان می آموختند، و در صحنه عمل آن را به اجرا می گذاشتند.<sup>۳۳</sup>

گفتنی است، همه باید تلاش کنیم مجالس حسینی را آن گونه برپا کنیم که حسین پست باشد. گویندگان و واعظان نیز بکوشند با مطرح کردن معارف اسلام، شنوندگان خود بویژه جوانان عزیز را با مکتب آشنا سازند. عزاداران عزیز نیز در پی فهم دین و معارف آن باشند. سینه زنی، حال و شور، از اعظم ثمرات است. لیکن قطعاً باید این شور باشعور همراه شود که اگر خدای ناکرده بین این دو فاصله افتاد، آنگاه است که راهزنان فکر و اخلاق، وارد میدان می شوند و این سرمایه های ارزشمند انسانی را به غارت می برند.

### امام خمینی (ره) و مجالس عزای حسینی

حضرت امام (ره) تا کبکد ویژه ای بر برپایی باشعور مجالس عزای حسینی داشتند. ایشان بر این باور بودند که انقلاب شکوهمند اسلامی ما وامدار این مجالس است، و تقادم آن از همین راه می باشد. در اینجا توجه شما را به بخشهایی از سخنان امام (ره) در این زمینه جلب می کنم:

۱... ملت ما قدر این مجالس را بداند، مجالس است که زنده نگه می دارد ملتها را، در ایام عاشورا زیاد و زیادت در سایر ایام هم غیر از این ایام متبرکه، هفته هاست و جنبشها این طوری هست. اگر بعد سیاسی اینها را اینها بفهمند، همان غریزدها هم مجلس به پا می کنند، اگر چنانچه ملت را بخواهند و کشور خودشان را بخواهند. من امیدوارم که هرچه پیشتر و هرچه بهتر، این مجالس برپا باشد...<sup>۳۴</sup>

۲... ملت ما را این مجالس حفظ کرده، بیخود نبود که و رضاخان، مأمورین سوارک و رضاخان، تمام مجالس عزای را قدغن کردند... می دیدند آنها که تا این مجالس هست و تا این توجه سراسیمهای بر مظلوم هست و تا آن افشاکگری ظالم هست، نمی توانند برسد به مقاصد خودشان...<sup>۳۵</sup>

۳... شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزای نبود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می آمد. هیچ قدرتی نمی توانست ۱۵ خرداد را آن طور کند، مگر قدرت خون سیدالشهدا. و هیچ قدرتی نمی تواند این ملت که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرتها بزرگ برای او توطئه می چیدند، این توطئه ها را خنثی کند، الا همین مجالس عزای...<sup>۳۶</sup>

۴... مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبهٔ سپاه عقل بر جهل و مدلل بر ظلم و استانت بر خبیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هرچه



# قیام جاودانه

مجلس خاتمی

باشکوهتر و فشرده‌تر برپا شود، و بیرفهای خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افزوده شود...<sup>۳۷</sup>

۱... مجالس عزرا را با حسان شکوهی که پیشتر انجم می‌گرفت و بیشتر از او، حفظ کنید...<sup>۳۸</sup>

۲... مجالس سوگواری ائمه اطهار(ع) باید حفظ شود. اینها شعائر معنوی است که باید حفظ شود. اینها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ شود...<sup>۳۹</sup>

۳... امام راجل(ره) ضمن آنکه تأکید فراوان بر روضه خواندن در مجالس حسینی داشتند، توصیه می‌کردند که در این مجالس مسائل اسلامی و مسائل روز بیان شود...<sup>۴۰</sup> اهل منبر - ایدهم الله تعالی - گوشش کنند در اینکه مردم را سزوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی - اسلامی، مسائل اجتماعی - اسلامی و روضه را دست از آن برندارید که ما با روضه زنده هستیم...<sup>۴۱</sup>

۴... گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند، روضه را همان طور که سابق می‌خواندند و سرپی را همان طور که سابق می‌خواندند، بخوانند و مردم را مهیسا کنند برای فدکاری...<sup>۴۲</sup>

نیز، آن حضرت تأکید بر جلوگیری از کارهای ناروا در مجالس عزای حسینی داشتند: «... اینجا باید یک سخن هم در

خصوص عزاداری و مجالس که به نام حسین بن علی(ع) بر پا می‌شود، بگوییم. ما و هیچ‌یک از دینداران نمی‌گوییم که با این اسم، هر کس هر کاری می‌کند، خوب است. چه بسا علمای بزرگ و دانشمندان، بسیاری از این کارها را ناروا دانسته و به نوبه خود از آن جلوگیری کردند. چنانچه همه می‌دانیم در بیست و چند سال پیش از این، عالم عامل بزرگوار مرحوم حاج شیخ عبدالکریم که از بزرگترین روحانیون شیعه بود، در قم شبیه خوانی را منع کرد و یکی از مجالس بزرگ را مسدود به روضه خوانی کرد و روحانیون و دانشمندان دیگر هم چیزهایی که بر خلاف دستور دین بوده منع کرده و می‌کنند...<sup>۴۳</sup>

در همین راستاست که امام راجل(ره) در پاسخ به سؤالی در مورد نظر آن حضرت در رابطه با قمه زنی، شبیه سازی و عزاداری و دسته‌های سینه زنی، فرمودند: «در شرایط کنونی قمه زنی بد و اما شبیه سازی اگر مشتمل بر حرمت نبوده و سب تضعیف منسوب نباشد، بلاسائق است اولی در عین حال عزاداری افضل است و برپایی مجلس عزرا بر سب مظلومان از افضل قربات است»<sup>۴۴</sup>.

## گره در عزای امام حسین(ع)

از شبیه‌هایی که اسامان برای جاودانگی نهضت سالار شهیدان به کار گرفتند، دعوت به گریه، گریاندن و حالت گریه کننده به خود گرفتن(تیاکی) در عزای او است. اشک حاصل، مقدس‌ترین و معنوی‌ترین پیامی است که پیروی دیگر چسایگزین آن نیست. گریه و اشک در عزای سالار شهیدان، اعلان وفاداری به اهداف مقدس او و باران وفاداش می‌باشد. این اشکها، اعلان جنگ با هرگونه مظاهر ظلم و ستم در هر عصر و زمان است.

براین اساس، گریه و اشک از عناصر ثابت ابلاغ پیام خونین عاشورا بوده است، و پیوسته اسامان بر آن تأکید و تشویق داشتند. در این باره، روایات بسیار است که به ۳ حدیث در این زمینه بسنده می‌شود:

۱. در حدیثی از اسام باقر(ع) می‌خوانیم: «کان علی بن الحسین(ع) یقول ایما مؤمن دمعت عیناه لقتل التحسین بن علی(ع) دمعه حسنی تسبیل علی خده بواء الله بها فی الجنة فرقا...»<sup>۴۵</sup> (هر مؤمنی که در عزای سالار شهیدان چشمش پراشک شود و بر گونه‌اش سرازیر گردد، شرفاوند او در غرفه‌های بهشت جای خواهد داد).

۲. در روایتی از اسام صفاق(ع) می‌خوانیم: «ان البکاء والجزع منکوره للعبد فی کل ما جزع ما خلا البکاء والجزع علی الحسین بن علی(ع) فانه فیما ساجوره»<sup>۴۶</sup> (همانا گریه و ناله برای بنده ناپسند است برای هر چه که باشد، غیر از گریه و ناله بر سالار شهیدان که اجر دارد).

البته، در اینجا گریه بر سالار شهیدان در برابر گریه بر مسائل مادی است، که گریه در مسائل مادی ناپسند است، ولی

گره در عزای سالار شهیدان مطلوب و پسنیده است نیز گریه از خوف خداوند و مانند آن.<sup>۲۶</sup>

۳. در حدیثی از حضرت امام رضا(ع) می خوانیم: «فعلی مثل الحسین فلیک البیاضون فان السماء علیه یسط الذنوب العظام»<sup>۲۷</sup> (پس بر مانند حسین(ع) باید گریه کنندگان بگریهند که گریه بر او گناهان بزرگ را از بین می برد).

از آنجا که نهفت خونین حضرت و شهادت جانگدازش از پیش - حتی قبل از ولادت حضرت(ع) - مطرح بود، پیامبر بزرگوار اسلام(ص) و امام علی(ع) در هر مناسبتی که یادی از کربلا و مصائب امام حسین(ع) می کردند، می گریستند و با ذکر مصائب دیگران را نیز می گریاندند.

مرحوم شرف الدین گریه: احادیث صحیح ما در مورد گریه پیامبر(ص) بر امام حسین(ع)، متواتر است. حضرت در جاهای مختلف بر امام حسین(ع) گریسته است: در روز ولادت و قبل از آن، روز هفتم ولادت، در خاتمه قاطعه(ص) و قش حسین(ع) در دامن قاطعه(ص) بود، و به هنگامی که حسین(ع) را بر منبر خویش دید ارفش امام حسین(ع) را به تنهایی می دید می گریست، گلویش را می بوسید و اشک می ریخت. پیامبر(ص) وقتی حسین(ع) را شاد می دید می گریست، و به هنگامی هم که او را محزون می یافت گریه می کرد. حتی در روایت صحیح آمده است که آدم، نوح، ابراهیم، اسمعیل، موسی، عیسی، زکریا، یحیی، خضر و سلیمان(ع) نیز بر او گریسته اند. تفصیل این مطلب را باید در جایگاه خود در کتابهای حدیث دید.<sup>۲۸</sup>

امام خمینی(ره) و گریه بر سالار شهیدان

امام و احل برای گریه بر سالار شهیدان امام حسین(ع)، ارج بسیار زیادی قائل بودند و آن را عامل بقای نهفت می دانستند: «... گریه کردن بر شهید، نگه داشتن، زنده نگه داشتن نهفت است... ما تا ابد هم برای سیدالشهدا گریه بکنیم، برای سیدالشهدا نغمی ندارد، برای ما نفع دارد. همین نفع دنیایش را حساب کنید، آخرش سر جای خودش. همین نفع دنیایش را حساب کنید و همین جهت روانی مطلب را که قلب را چطور به هم متصل می کند...»<sup>۲۹</sup>

۳. مسئله، مسئله گریه نیست، مسئله، مسئله تسکین نیست، مسئله، مسئله سیاسی است که اتمه با همان دید الهی که داشتند، می خواستند که این ملتها را با هم بسج کنند و یکپارچه کنند. از راههای مختلف، اینها را یکپارچه کنند تا آسیب پذیر نباشند...<sup>۳۰</sup>

امام و احل(ره) نمونه ای از مبارزه با ستمگران در قبال اشک را چنین بیان می کنند: «حضرت باقر - سلام الله علیه -

وقتی که می خواستند فوت کنند، وصیت کردند که ده سال - ظاهرأ - که در منا اجیر کنند کسی را، کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزه ای است؟ حضرت باقر(ع) احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر(ع) می خواست چه کند گریه را، آن وقت هم در منا چتر؟ ایام حج و منا این همسین نقطه اساس، سیاسی، روانی، آتسانی است که ده سال در آنجا گریه کنند. خوب مردم می آیند، می گویند چه خبر است، چیست؟ می گویند این، این طور بود. این، توجه می دهد، نفوس مردم را به این مکتب و ظالم را منهدم می کند و مظلوم را قوی می کند...»<sup>۳۱</sup>

سجده بر تربیت امام حسین(ع)

دیگر شیوه ای که امامان شیعه(ع) برای استیاب نهفت عاشورا بر گزینند، دعوت و توصیه به سجده بر تربت سالار شهیدان است.

سجده بر تربت امام حسین(ع)، سجده بر تربت آزادگی، عشق به خدا، ایثار و فداکاری در راه دین است. سجده بر تربت سالار شهیدان، یادآور خاطرات فداکاران راه حق و تجدید عهد با آن شهیدان است.

تربت پاک تو کز ادگی آموزد و عشق

سرمه دیده صاحب نظران است هنوز

این تربت به پاس فداکاری سید مظلومان و آزادگان(ع)، از آغاز سوره تکریم ویژه نبی اکرم(ع) و سولا علی(ع) بود، و بارها پیامبر(ص) این تربت را بویزند و بوسندند.

## زندگانی امام حسین(ع)

سید هاشم رسولی محلاتی



در روایتی آمده است که پیامبر گرامی اسلام (ص) پس از پوییدن خاک کربلا، بر آن تربت منقلس اشک ریختند و فرمودند: «طوبی لک من تربة» (خوش به حال این تربت).

در روایات ما آمده است، امامان شیعه (ع) نهایت داشتند که بر تربت امام حسین (ع) سجده کنند. در روایتی که معاویه بن عمار روایت می کند، آمده است: «کان لابی عبدالله (ع) خریطة دیاج صفراء فیها تربة ابی عبدالله (ع) فکان اذا حضرته الصلاة صبه علی سجاده و سجد علیه ثم قال (ع) ان السجود علی تربة ابی عبدالله (ع) یخسرق الحجب السبع»<sup>۵۳</sup> (امام صادق (ع) کبسه ای زرد رنگ داشت که مقداری از تربت امام حسین (ع) در آن بود. به هنگام نماز، آن را بر روی سجاده می نهادند، بر آن سجده می کردند و می فرمودند: سجده بر تربت امام حسین (ع) حجابهای هفتگانه را می دود، و سبب قبولی نماز در پیشگاه حضرت حق می شود).

در روایت دیگری می خوانیم: «کان الصادق (ع) لایسجد الا علی تربة الحسین (ع) تلذلاً و استکانة الیه»<sup>۵۴</sup> (امام صادق (ع) بر چیزی جز تربت امام حسین (ع) سجده نمی کردند. و این، به خاطر ابراز تلذذ و فروتنی در مقابل خداوند بزرگ بود). بر اساس این روایات، فقهای بزرگ شیعه فتوا به استحباب سجده بر تربت سالار شهیدان داده اند.

مروح کاشف الغطاء در این زمینه گوید: شاید رمز اینکه شیعه سجود بر تربت امام حسین (ع) را مستحب و افضل می داند، این باشد که علاوه بر دلایل مذکور و روایاتی که در مورد فضیلت تربت کربلا رسیده است و علاوه بر اینکه تربت کربلا از نظر نظافت و پاکیزگی نسبت به سایر زمینها و فرشهای که غالباً به شباه و انواع میکروبها آلوده اند، از جهت اهداف عالی و مقاصد والا بهتر است بر تربت کربلا سجده نمود، زیرا وقتی نماز گزار پیشانی خود را به هنگام نماز بر روی چنین تربت مقدس قرار می دهد، فلذکاربهای آن پیشوای بزرگ و اهل بیت آن حضرت و اصحاب ایشان را در مسیر عقیده و اصول اسلام و سرکوی ستم و فساد و استبداد، به خاطر می آورد.<sup>۵۵</sup>

سخن در این زمینه را با گفتاری از علامه بزرگوار امینی به پایان می بریم: «آیا سجده نمودن بر تربت حسین (ع) که در دهر گیرنده دوس دفاع و حمایت از دین خدا و مقدسات آن و ناموس اسلام است، در مسیر تقرب به خدای بزرگ، جلب رضای وی و مقام خضوع و بندگی در مقابل آفریدگار جهان، مناسبتر نیست؟ آیا سجده بر سرزمینی که رمز عظمت، بزرگواری و کبریای الهی و اسرار بندگی و فروتنی در برابر خدای بزرگ در بالاترین مرتبه را دودارد، از سجده بر زمین سازگارتر نیست؟ آیا سزاوار نیست بر تریخی که نشانه های توحید و فلاکاری در آن می باشد، تربتی که ما را به سوی

پانوشتها:

۱. وافدی، مغزای، ج ۱، ص ۳۱۲
۲. سمهودی، دیوانه، دیوانه، ج ۲، ص ۱۳۲
۳. در باره زیارت و آیین و هابیت، ر. ک: کشف الارباب، آیین و هابیت، صص ۱۰۶-۱۳۰، فتاوی بر التلبه و هابیان، صص ۱۱۷-۱۳۹
۴. کمال الزیارات، ص ۱۲۲
۵. همان، باب ۵۸، ۶۳، ۶۶، ۶۷
۶. همان، باب ۷۰
۷. همان، باب ۷۱
۸. همان، باب ۷۲
۹. همان، باب ۷۳
۱۰. همان، باب ۷۴
۱۱. همان، باب ۶۱، ۶۹
۱۲. همان، باب ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲
۱۳. همان، باب ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲
۱۴. همان، باب ۷۸
۱۵. همان، باب ۷۷
۱۶. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۵۹۷
۱۷. تاریخ طبری، چاپ لیدن، ج ۱۱، ص ۱۲۰۷
۱۸. شیخ طوسی، قمیت، چاپ مکتبه النبی، ص ۱۷۲



۱۹. مفاتیح الجنان، تنظیم شیخ عباس قمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۲۹

۲۰. همان، ص ۲۲۳

۲۱. نور، ۳۵/

۲۲. ابراهیل، ۱۵۷/

۲۳. مطهری، مرتضی، حاشیه حسینی، ج ۳، ص ۳۰۷

۲۴. المیزان، ص ۸۸

۲۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۷

۲۶. همان، خطبه ۲۷

۲۷. اعیان و تعدد در اسلام، ص ۲۲

۲۸. وسائل الشیعه، چاپ آل البیت، ج ۱۲، صص ۵۹۳، ۵۹۴، باب ۱۰۴ ابواب الزمار، حدیث ۱

۲۹. همان، صص ۵۹۳، ۵۹۴، ابواب الزمار، باب ۱۰۴، حدیث ۳

۳۰. همان، ص ۵۰۰، ابواب الزمار، باب ۶۶، حدیث ۲

۳۱. علامه بزرگوار شیخ عبدالحسین امینی در کتاب سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنت (صص ۱۳۷، ۱۳۸)، استلزام و مدارک مطالب فرقی را به استناد کتابهای اهل سنت آورده و تحقیقی شایسته در زمینه سند و دلالت روایات عرضه کرده است.

۳۲. بحرانی، عوالم، ج ۱۷، ص ۵۳۸، میزان انبیا الرضا، ج ۱، ص ۱۱۱، حدیث ۱۲ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۸۳، ج ۱۷

۳۳. در زمینه نقش مجالس حسینی، ر.ک: سید شرف الدین، المقدمه الزامه لکتاب المجالس الفاضله، انتشارات سعید بن جبیر، قم، صص ۶۸، ۲۶

۳۴. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۰۹

۳۵. همان، ج ۱۰، ص ۳۱

۳۶. همان، ج ۱۶، ص ۲۱۹

۳۷. همان، ج ۳، ص ۲۲۶

۳۸. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۸

۳۹. همان، ج ۱۰، ص ۲۲

۴۰. همان، ج ۲۱، ص ۱۷۳

۴۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۸

۴۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۰۵

۴۳. الشعائر حسینیة بین الوصی و الخرافة، ج ۱۳۶

۴۴. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۸۱، عوالم، ج ۱۷، ص ۵۳۲، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۰۸، ابواب الزمار، باب ۶۶، حدیث ۱۸

۴۵. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۹۱، حدیث ۱۳۳، عوالم، ج ۱۷، ص ۵۳۳

۴۶. پرواضح است این اجزها و یادشها از آن کسائی است که به راه و مکتب حسین (ع) هم وفادار و هم عامل باشند. و هشق به سالار شهیدان، آئمی را به این راه می کشاند.

۴۷. صدوق، ادبائی، ج ۲، ص ۱۱۱، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۰۴، ابواب الزمار، باب ۶۶، حدیث ۸

۲۸. المقدمه الزامه لکتاب المجالس الفاضله، ص ۳۰

۲۹. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۸

۵۰. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۳

۵۱. همان، ج ۱۰، ص ۲۱۷

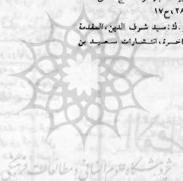
۵۲. تعلیقات احقاف الحق، ج ۱۱، ص ۳۲۷

۵۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶۶، ابواب ما یسجد علیه، باب ۱۶، حدیث ۳

۵۴. همان، ج ۵، ص ۳۶۶، ابواب ما یسجد علیه، باب ۱۶، حدیث ۲

۵۵. الأرض و التربة السینیة، ص ۲۲

۵۶. سیرتنا و سنتنا، ص ۱۲۱، برای تحقیق بیشتر در زمینه سجده بر تربت امام حسین (ع)، ر.ک: کاشف الغطاء، الأرض و التربة السینیة، سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنته، صص ۱۵۸ - ۱۶۷، اسدی میهنی، السجود علی الأرض، صص ۱۰۷ - ۱۲۱، اسجده بر تربت یا نهایت نواضع در پیشگاه خدا، صص ۶۲ - ۷۵



شادگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی